



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى



موضوع:

احکام؛ نماز؛ نماز جمعه و عیدین

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: علی راضی

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۱۶

حکم نماز جمعه و نمازهای عید قربان و عید فطر در زمان غیبت امام چیست و کیفیت آن‌ها چگونه است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۲۰

پرسش شما در دو بخش پاسخ داده می‌شود:

۱. احکام نماز جمعه

نماز جمعه فریضه‌ای مهم از فرائض اسلام است که خداوند در کتاب خود به آن امر کرده و فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾**^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! هرگاه برای نماز در روز جمعه ندا داده شد، به سوی ذکر خداوند بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، آن برایتان بهتر است اگر بدانید» و آن بنا بر روایات متواتر اسلامی، مشتمل بر دو خطبه و دو رکعت است و خصوصیت آن که ظاهراً موجب سفارش به آن در کتاب خداوند شده، وجود دو خطبه برای آن است و از این رو، نماز جمعه بدون دو خطبه و تبعاً بدون کسی که دو خطبه را بخواند، منعقد نمی‌شود و این دو خطبه باید پیش از نماز و در حالت ایستاده باشد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: مِنْ أَيْنَ قُلْتَ إِنَّ خُطْبَةَ الْجُمُعَةِ مِنْ قِيَامٍ؟ قَالَ: لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا﴾^۲، قُلْتُ: صَدَقْتَ وَمِنْ أَيْنَ قُلْتَ إِنَّهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ؟ قَالَ: لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ﴾^۳،

۱. الجمعة/ ۹

۲. الجمعة/ ۱۱

۳. الجمعة/ ۱۰

قُلْتُ: صَدَقْتَ، إِنَّ عِنْدَكَ عِلْمَ الْكِتَابِ، قَالَ: عِنْدِي عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ وَإِنَّ عِلْمَ الْكِتَابِ عِنْدَ الْمَهْدِيِّ وَلَوْ جِئْتُمُوهُ لَعَلَّمَكُمْ أَكْثَرَ مِمَّا عَلَّمْتُكُمْ، فَسَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا مَثَلِي فِيكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ وَجَدَ مَعْدِنًا مِنَ الذَّهَبِ فَأَخَذَ مِنْهُ قِطْعَةً كَبِيرَةً فَجَاءَ بِهَا إِلَى التُّجَّارِ فَقَالَ لَهُمْ: إِنِّي وَجَدْتُ مَعْدِنًا مِنَ الذَّهَبِ فَأَيُّكُمْ يُعِينُنِي عَلَى اسْتِخْرَاجِهِ لِيَكُونَ لَهُ فِيهِ نَصِيبٌ؟ فَيَقُولُونَ لَهُ: كَيْفَ نَعْلَمُ أَنَّكَ قَدْ وَجَدْتَهُ؟! فَيُرِيهِمُ الْقِطْعَةَ الْكَبِيرَةَ فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ قَدْ وَجَدَهُ فَيُعِينُهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَحْذُلُهُ مَنْ يَشَاءُ»^۱؛ «به منصور گفتم: از کجا فرمودی که خطبه‌ی جمعه در حالت ایستاده است؟ فرمود: برای سخن خداوند که <چون تجارت یا لهوی را بینند به سوی آن پراکنده شوند و تو را در حالت ایستاده وا گذارند>، گفتم: راست فرمودی و از کجا فرمودی که آن پیش از نماز است؟ فرمود: برای سخن خداوند که <چون نماز گزارده شد در زمین پراکنده شوید>، گفتم: راست فرمودی، نزد تو علم کتاب است، فرمود: نزد من علمی از کتاب است و علم کتاب نزد مهدی است و اگر به نزد او بیایید به شما بیشتر از چیزی که من تعلیم دادم تعلیم می‌دهد، پس ساعتی سکوت کرد و سپس فرمود: هرآینه مثل من در میان شما مثل مردی است که معدنی از طلا پیدا کرد، پس تکه‌ای بزرگ از آن برگرفت و به نزد تاجران آورد و به آنان گفت: هرآینه من معدنی از طلا پیدا کرده‌ام، پس کدام یک از شما من را بر استخراج آن یاری می‌کند تا برای او در آن سهمی باشد؟ پس به او می‌گویند: از کجا بدانیم که تو آن را پیدا کرده‌ای؟! پس تکه‌ی بزرگ را به آنان نشان می‌دهد، پس می‌دانند که آن را پیدا کرده است، پس هر کس می‌خواهد او را یاری می‌کند و هر کس می‌خواهد او را وا می‌گذارد».

همچنانکه این دو خطبه باید مشتمل بر یاد خداوند و صلوات بر پیامبرش و خواندن کتابش و دعوت به سوی خیر و امر به معروف و نهی از منکر باشد تا برای مسلمانان بهتر از لهو و بهتر از تجارت باشد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِّ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾^۲؛ «و چون تجارت یا لهوی را بینند به سوی آن پراکنده شوند و تو را در حالت ایستاده وا گذارند، بگو چیزی که نزد خداوند است از لهو و از تجارت بهتر است و خداوند بهترین روزی دهندگان است» و با این وصف، هرگاه دو خطبه مشتمل بر سخنی باطل مانند ستایش طاغوت و دعوت به سوی شر و امر به منکر و نهی از معروف باشد، کفایت نمی‌کند، بلکه حضور نزد آن برای استماعش حرام است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّوْرَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾^۳؛ «و کسانی که دروغ را شاهد نمی‌شوند و چون بر لغوی گذرند با بزرگواری می‌گذرند» و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾^۴؛ «و کسانی که آنان از لغوروی‌گردانند»

۱. گفتار ۱۲۳، فقره‌ی ۶

۲. الجمعة / ۱۱

۳. الفرقان / ۷۲

۴. المؤمنون / ۳

و فرموده است: **﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾**^۱؛ «و چون لغور را بشنوند از آن روی گردانند» و فرموده است: **﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾**^۲؛ «پس از پلیدی بت‌ها دوری کنید و از گفتار باطل دوری کنید» و فرموده است: **﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يَكْفُرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾**^۳؛ «و بر شما در کتاب نازل کرده است که هرگاه شنیدید به آیات خداوند کفر ورزیده می‌شود و استهزاء می‌شود، پس با آنان ننشینید تا آن گاه که در گفتار دیگری فرو روند، شما آن گاه مانند آنانید، هرآینه خداوند جمع‌کننده‌ی همه‌ی منافقان و کافران در جهنم است»؛ خصوصاً با توجه به اینکه اقتداء در نماز به ظالمان و فاسقان جز از باب تقیّه جایز نیست^۴ و با این اوصاف، شرکت در نماز جمعه‌ای که با امامت حاکم جائز یا امامی منصوب از جانب او یا امامی فاسق برگزار می‌شود، حرام است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمُنْصُورَ عَنْ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ: فَرِيضَةٌ، قُلْتُ: لَا يُقِيمُهَا الْيَوْمَ عِنْدَنَا إِلَّا كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، فَقَالَ: لَا تُصَلِّ مَعَهُمْ فَإِنَّ مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ، إِلَّا أَنْ يَتَّقِيَ مِنْهُمْ نِفَاقًا، وَكَانَ عِنْدَهُ رَجُلٌ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَمَا كَانَ السَّلَفُ الصَّالِحُ يُصَلُّونَهَا مَعَهُمْ مُنْذُ قُبُضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟! قَالَ: بَلَى، وَلَكِنَّهُمْ كَانُوا يُصَلُّونَ بَعْدَهَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ»^۵؛ «از منصور درباره‌ی نماز جمعه پرسیدم، پس فرمود: فريضة است، گفتم: امروز آن را جز جباری سرکش اقامه نمی‌کند، پس فرمود: با آنان نماز نگزار؛ چراکه هر کس با آنان نماز گزارد او از آنان است، مگر اینکه از آنان تقیّه کند و نزد آن جناب مردی بود، پس مرد گفت: آیا سلف صالح از وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درگذشت آن را با آنان نمی‌گزاردند؟! فرمود: آری، ولی آنان پس از آن چهار رکعت (نماز ظهر) می‌گزاردند».

همچنانکه یکی دیگر از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«دَخَلْتُ عَلَى الْمُنْصُورِ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ، فَقَالَ لِي: صَلَّى هَؤُلَاءِ جُمُعَتَهُمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ، مَا صَلُّوا وَلَكِنْ لَعَوْا وَتَفَرَّوْا، قُلْتُ: إِنَّ فَلَانًا مِنْ أَصْحَابِكَ يَدْخُلُ فِيهِمْ فَيُصَلِّيهِمْ مَعَهُمْ، قَالَ: وَيَفْعَلُ؟! قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: أَلَا يَخَافُ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يُنْزِلَ عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ وَهُوَ فِيهِمْ؟!»^۶؛ «در روز جمعه‌ای به محضر منصور رسیدم، پس به من فرمود: آیا اینان جمعه‌ی خود را گزاردند؟ گفتم: آری، پس فرمود: نه به خدا سوگند نگزاردند، بلکه صدایی درآوردند و نوکی زدند، گفتم: فلانی از یاران تو به میان

۱. القصص / ۵۵

۲. الحج / ۳۰

۳. النساء / ۱۴۰

۴. بنگرید به: پرسش و پاسخ ۱۶۸.

۵. گفتار ۱۲۳، فقره‌ی ۱

۶. گفتار ۱۲۳، فقره‌ی ۲



آنان می‌رود و آن را با آنان می‌گزارد، فرمود: آیا این کار را می‌کنند؟! گفتم: آری، فرمود: آیا نمی‌ترسد که خداوند آنان را در زمین فرو برد یا بر آنان عذابی از آسمان نازل کند، در حالی که او میان آنان است؟!».

آری، شرکت در نماز جمعه‌ای که با امامت خلیفه‌ی خداوند در زمین یا امامی منصوب از جانب او یا امامی عادل از زمینه‌سازان ظهور او برگزار می‌شود، واجب است و آن در وقت نماز ظهر و با حضور جمعی از مؤمنان برگزار می‌شود؛ چراکه نماز جمعه بنا بر روایات متواتر، جایگزین نماز ظهر است و با این وصف، گزاردن آن پیش یا پس از وقت نماز ظهر جایز نیست؛ همچنانکه متبادر از «نماز جمعه» نماز جمعی از مؤمنان است و با این وصف، اگر حاضران به قدری کم باشند که جمعی از مؤمنان محسوب نشوند، «نماز جمعه» منعقد نمی‌شود و جمعی از مؤمنان بنا بر روایتی از اهل بیت، پنج نفر هستند و این معقول است؛ زیرا یکی از آنان امام و دیگری ندا دهنده‌ی به نماز است که عادتاً غیر امام است و سه نفر دیگر نیز حدّ اقلّ جمع محسوب می‌شوند و با این وصف، می‌توان شرط انعقاد نماز جمعه را حضور حدّ اقلّ پنج نفر از مؤمنان دانست؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ أَقَلِّ عَدَدٍ يَنْعَقِدُ بِهِمُ الْجُمُعَةُ، فَقَالَ: الْإِمَامُ وَالْمُنَادِي لِلصَّلَاةِ وَثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۱؛ «از منصور درباره‌ی کمترین تعدادی پرسیدم که نماز جمعه با آن‌ها منعقد می‌شود، پس فرمود: امام و ندا دهنده برای نماز و سه نفر از مؤمنان».

همچنانکه در هر شهری بیش از یک نماز جمعه برگزار نمی‌شود؛ زیرا ظاهر از کتاب خداوند و روایات اسلامی این است که در شهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها یک نماز جمعه برگزار می‌شد، مگر اینکه شهر بزرگی باشد و رسیدن به نماز جمعه پس از شنیدن ندای آن برای جمعی از مردم عسر و حرج داشته باشد؛ چراکه در این صورت آنان می‌توانند نماز جمعه‌ی دیگری را بر پا دارند؛ با توجه به اینکه خداوند فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»^۲؛ «خداوند برایتان آسانی می‌خواهد و برایتان سختی نمی‌خواهد» و فرموده است: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ»^۳؛ «خداوند نمی‌خواهد که بر شما تنگنایی قرار دهد». با این وصف، اگر شرایط لازم برای بر پا داشتن نماز جمعه‌ی دیگری فراهم نشد، وجوب آن از آنان ساقط می‌شود؛ همچنانکه وجوب آن از سایر معذوران مانند بیماران، سالخوردگان و مسافران ساقط است.

۲. احکام نماز عید

درباره‌ی وجوب نماز عید میان مسلمانان اختلاف نظر است؛ به این ترتیب که شیعه، حنفیه

۱. گفتار ۱۲۳، فقره‌ی ۴

۲. البقرة / ۱۸۵

۳. المائدة / ۶

و برخی از شافعیه آن را واجب عینی و حنبلیه آن را واجب کفایی و مالکیه و بیشتر شافعیه آن را مستحب مؤکد می‌دانند، ولی حق این است که آن مانند نماز جمعه واجب عینی است و مانند آن از کسانی که عذری دارند ساقط می‌شود؛ چراکه خداوند در کتاب خود - بر خلاف پندار بسیاری - به آن اشاره کرده و پیامبر در سنت خود بر آن مداومت داشته و هیچ سالی آن را ترک نکرده است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ صَلَاةِ الْفِطْرِ وَصَلَاةِ الْأَضْحَى، فَقَالَ: فَرِيضَتَانِ، قُلْتُ: إِنَّهُمَا يَقُولُونَ لَوْ كَانَتَا فَرِيضَتَيْنِ لَنَزَلَ فِيهِمَا الْقُرْآنُ، قَالَ: وَهَلْ يَعْلَمُونَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَلَوْ رَجَعُوا إِلَى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ لَعَلَّمُوهُمْ، ثُمَّ سَكَتَ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَهَلْ نَزَلَ فِيهِمَا الْقُرْآنُ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَلْتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَذَاكُمْ﴾^۱ وَذَلِكَ صَلَاةُ الْفِطْرِ وَيَقُولُ: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ﴾^۲ وَذَلِكَ صَلَاةُ الْأَضْحَى»^۳؛

«از منصور درباره‌ی نماز فطر و نماز قربان پرسیدم، پس فرمود: فریضه‌اند، گفتم: آن‌ها می‌گویند که اگر فریضه بودند درباره‌ی شان قرآن نازل می‌شد، فرمود: آیا آن‌ها همه‌ی قرآن را می‌دانند؟ گفتم: نه، فرمود: پس اگر به کسانی رجوع می‌کردند که همه‌ی قرآن را می‌دانند به آنان می‌آموختند، سپس سکوت کرد، پس گفتم: فدایت شوم، آیا درباره‌ی شان قرآن نازل شده است؟ فرمود: آری، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: >و تا تعداد (روزهای ماه رمضان) را تکمیل کنید و تا خداوند را بر اینکه هدایت‌تان کرد تکبیر گویند< و آن نماز فطر است و می‌فرماید: >پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن< و آن نماز قربان است!>».

البته شرایط وجوب این نماز مانند شرایط وجوب نماز جمعه است و تفاوت آن با نماز جمعه در پنج چیز است:

یکم؛ وقت

بنا بر روایات متواتر اسلامی، وقت نماز عید از طلوع آفتاب تا ظهر است و از این رو، جایگزین نماز ظهر نمی‌شود.

دوم؛ مکان

بنا بر روایات متواتر اسلامی، بر پا داشتن نماز عید در بیرون شهر و زیر آسمان سنت است، مگر در مکه که بر پا داشتن آن در مسجد الحرام بهتر است.

۱. البقرة / ۱۸۵

۲. الکوثر / ۲

۳. گفتار ۱۲۳، فقره‌ی ۷



سوم؛ خطبه

بنا بر روایات متواتر اسلامی، خطبه پس از نماز عید خوانده می‌شود و خواندن آن پیش از نماز عید بدعتی است که بنی امیه پدید آوردند.

چهارم؛ اذان و اقامه

بنا بر روایات متواتر اسلامی، پیش از نماز عید، اذان و اقامه گفته نمی‌شود و گفتن اذان و اقامه پیش از آن، بدعتی است که بنی امیه پدید آوردند.

پنجم؛ تکبیرات

بنا بر روایات متواتر اسلامی، در نماز عید تکبیرات بیشتری گفته می‌شود و این حکمی است که کتاب خداوند به آن اشاره دارد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سُئِلَ الْمَنْصُورُ عَنْ صَلَاةِ الْعِيدِ، فَقَالَ: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» يَعْنِي شَهْرَ رَمَضَانَ «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَذَاكُمْ» يَعْنِي اثْنَتَيْ عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً «وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» يَعْنِي الْقُنُوتَ، وَلَيْسَ بِوَاجِبٍ»؛ «از منصور درباره‌ی نماز عید پرسیده شد، پس فرمود: <و تا تعداد را کامل کنید> یعنی ماه رمضان <و تا خداوند را بر اینکه هدایت‌تان کرد تکبیر گویند> یعنی دوازده تکبیر <و شاید شکر گزاری در یعنی قنوت و واجب نیست>».

بنابراین، تکبیرات بیشتر در نماز عید بنا بر «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَذَاكُمْ» واجب است و از روایات اسلامی و گفتار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به دست می‌آید که سنت در آن دوازده تکبیر است؛ به این ترتیب که پنج تکبیر در رکعت اول و چهار تکبیر در رکعت دوم علاوه بر تکبیرة الإحرام و دو تکبیر رکوع گفته می‌شود و مستحب است که میان تکبیرات، قنوتی در ستایش خداوند و شکر او بر نعمت هدایت و نعمت چهارپایان خوانده شود.



بایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی
محسن باجگر کبیر مهرشاه



۱. گفتار ۱۲۳، فقره‌ی ۸

www.alkhorasani.com

بایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.